

شاعر و رفتار چهار گانه با زبان



اشاره:

در بحث رفتار با زبان به این نکته باید توجه کرد که رابطه شاعر و زبان، رابطه متقابل و دو طرفه است. یعنی همان طور که شاعر، زبان و واژگان را به عنوان مصالح و ابزار اصلی شاعری به خدمت می‌گیرد، خود نیز باید برای رشد و اعتلای زبان و افزایش قابلیت‌ها و توانمندی‌های آن بکوشد. برقراری این رابطه متقابل، عامل اصلی پویایی، بالندگی و مانایی زبان ادبی است و هر گاه این رابطه منقطع یا سست شود، زبان دچار فرسایش می‌گردد. در بحث رفتار شاعر با زبان این مولفه نقش تعیین کننده‌ای دارد که در تبیین رفتار چهارگانه شاعر با زبان به آن خواهیم پرداخت. بادقت نظر و تأمل در آثار شاعران متقدم و معاصر، به طور کلی به چهار شیوه رفتاری با زبان توسط شاعران بر می‌خوریم:

- 1 - رفتار هنجار یا معیار
- 2 - رفتار فراهنجار
- 3 - رفتار فروهنجار
- 4 - رفتار ناهنجار

رفتار هنجار یا معیار، رفتاری مطابق با معیارها و هنجارهای مقبول ادبی است. یعنی رفتار شاعر با زبان در فرآیند آفرینش ادبی، رفتاری هموزن و هم‌متر از با عرف رایج ادبی جامعه‌ای است که شاعر در آن زندگی می‌کند. اگر برای ارزیابی کیفیت آثار ادبی یک شاعر درجات ((عالی، خوب، متوسط و ضعیف)) قایل باشیم، رفتار هنجار با زبان، منحصر به آن گروه از شاعرانی است که خالق آثار ادبی ((خوب)) هستند، یعنی در انطباق آثار ادبی خود با هنجارهای ادبی عصر خویش، موفق بوده‌اند. رفتار این شاعران با زبان، رفتاری معقول و قانونمند است. عاملی که در این شیوه رفتاری، اصالت و مانایی زبان را تضمین می‌کند ((رقابت جمعی)) است. به عبارت ساده‌تر، این گروه از شاعران با زمینه مستعدی که دارند، در فرآیند آفرینش ادبی، بی‌نیاز از تقلید از یکدیگرند، ولی از آن جا که رابطه آنان با زبان رابطه‌ای متقابل و دو طرفه است، در مسیر یک رقابت سازنده و با بهره‌گیری از تجربیات گروهی، راه را برای تکامل زبان هموار نموده و در ((نوزایش)) و تجدید حیات نهاد زبان مشارکت می‌کنند. با عنایت به آن چه گفته آمد، ویژگی‌های این نوع رفتار با زبان را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- 1 - رفتار هنجار با زبان بر پایه حفظ اصول، قواعد و هنجارهای مقبول زبانی استوار است.
- 2 - عامل پویایی، بالندگی و مانایی زبان در این شیوه رفتاری ((رقابت جمعی)) است.
- 3 - رابطه شاعر با زبان، رابطه‌ای متقابل و سازنده است.

نکته آخر این که برای تشخیص رفتار هنجار با زبان در هر عصری، تنها راه، مراجعه به آثار ادبی و شناخت و استخراج مولفه‌های زبانی مضبوط در آثار ادبی شاعران آن عصر است که بسامد بالایی دارد: زیرا آن چه

باعث تمایز سبک شاعران عراقی از خراسانی می‌شود، از جمله ویژگی‌های گویشی متفاوت شاعران این دو سبک است که ما از این ویژگیها به ((هنجارهای ادبی)) تعبیر می‌کنیم. در عصر حاضر نیز شاعرانی که به یک سبک و سیاق و با گویشی واحد شعر می‌گویند، در طیف شاعرانی قرار می‌گیرند که ((رفتار هنجار)) را اختیار کرده‌اند.

رفتار هنجار با زبان منحصر به آن گروه از شاعران است که از دانش، بینش، بصیرت و اجتهاد ادبی برخوردارند. رفتار فراهنجار با زبان همچنان که از نام آن پیداست، به رفتاری اطلاق می‌شود که شاعر به خاطر تسلط و اشرافی که نسبت به زبان دارد، خود را در چارچوب هنجارهای رایج ادبی، عصر خویش، محدود و محصور نمی‌کند. در این شیوه رفتاری، شاعر با اتکا به بصیرت و اجتهاد خویش در این عرصه، زبان را به چالشی جدی با نیازهای ادبی عصر خویش می‌کشد و برای آن که زبان بتواند توانایی پاسخگویی به این نیازها را پیدا کند، به رفع کاستی‌ها و مرمت و بازسازی بنای زبان می‌پردازد. رفتار فراهنجار با زبان بر سه اصل زیور استوار است: رابطه متقابل شاعر با زبان خلایق و نوآوری هنجارگریزی اصلاحی مبتنی بر ((رسانندگی)) و ((زیبایی شناختی)) شاعرانی که به رفتار فراهنجار با زبان اعتقاد دارند، به خاطر آن که در یک تعامل متقابل با زبان قرار گرفته‌اند، ضمن بهره برداری از توانایی‌های زبان، در موارد ضرورت به پیرایش نهاد زبان از طریق اصلاح قواعد دستوری و مرمت و بازسازی قالبهای ادبی می‌پردازند، و در نهایت در نوزایش و تجدید حیات نهاد زبان، نقشی بزرگ را برعهده می‌گیرند. برای مثال ((حافظ)) و ((نیما)) هر یک در عصر خویش، در زمره شاعرانی بوده‌اند که با زبان رفتاری ((فراهنجار)) داشته‌اند. از همین رو ضمن ارج گذاری به میراث ادبی و حفظ قابلیت‌ها و اصالت‌های زبانی، و با الهام‌گیری از آثار شاعران متقدم و معاصر خویش، با خلایقی شگفت، به آفرینش هنری روی آورده‌اند و با بیانی هنری به آفرینش آثاری دست زده‌اند که دیگران از خلق آنها عاجز بوده‌اند. آثار ادبی این گروه از شاعران در زمره آثار ادبی ((عالی)) قرار می‌گیرند.

رفتار فرو هنجار با زبان به رفتاری گفته می‌شود که شاعر از انطباق زبان ادبی خود با معیارهای مقبول زبان ادبی عصر خویش عاجز است و در نتیجه آثار ادبی او از نظر کیفیت در ردیف آثار ((متوسط)) و در اکثر موارد ((ضعیف)) قرار می‌گیرد. آثار شاعران دوره بازگشت مصداق بارز این گونه رفتار با زبان توسط شاعران است. در رفتار فرو هنجار با زبان، شاعر به خاطر فقر ادبی و ناتوانی از برقراری یک رابطه خلاق و پویا با زبان، به تقلید کشیده می‌شود و از آثار متقدمین و معاصرین خویش کلیشه برمی‌دارد. در این شیوه رفتاری، شاعر چون نمی‌تواند تا سقف زبان هنجار قد بکشد، به ناچار قیای زبان را به قامت کوتاه خویش می‌برد و با این کار ظلمی بزرگ را به زبان روا می‌دارد. البته گاهی نیز این نوع رفتار با زبان، در نوعی از تعصب ادبی کور و بی‌منطق ریشه دارد. نکته آخر اینکه در رفتار فرو هنجار با زبان، رابطه شاعر با زبان، رابطه‌ای یکطرفه است. که همین امر باعث به خطر افتادن اصالت و موجودیت زبان می‌شود، زیرا رابطه این شاعران با زبان به علت فقر دانش و بینش ادبی و روی آوردن به تقلید، رابطه‌ای تهدید کننده است که در دراز مدت موجب ساییش و فرسودگی زبان می‌شود. هر چند برقراری این نوع رابطه با زبان برای خود شاعر نیز به نوعی ((انتحار ادبی)) می‌ماند!

رفتار ناهنجار با زبان به رفتاری گفته می‌شود که با هیچ هنجار و معیار ادبی سازگار و قابل انطباق نباشد. این گونه رفتار با زبان اختصاص به شاعرانی دارد که دچار نوعی توهم ((نبوغ ادبی)) اند. این طیف از شاعران با تظاهر به نوآوری و خلایق، بر همه اصول، قواعد و هنجارهای ادبی خط بطلان می‌کشند تا به این وسیله خود را پرچمدار انقلاب ادبی معرفی کنند. امروزه از این شاعران به عنوان شاعران آوانگارد و ((پست مدرن)) و گاهی نیز ((پسانیمایی)) یاد می‌شود. شاعرانی که با توسل با انواع شیوه‌های غیر معقول، و با دامن زدن به موج‌های کاذب ادبی، درصدد دست و پا کردن جایگاهی رفیع برای خویش در عرصه ادبیاتند. شاعرانی که به رفتار ((ناهنجار)) با زبان روی آورده‌اند، با کشیده شدن به ((هنجار گریزی)) افراطی و تخریبی، در راهی گام بر می‌دارند که به سراب ((فرمالیسم محض)) ختم می‌شود. این گروه از شاعران

درصد هموار ساختن راهی‌اند که پیش از این مدعیان ((هنر برای هنر)) در آن گام نهاده و به بن‌بست رسیده بودند! برای یافتن تعریفی روشن‌تر از ((رفتار ناهنجار)) با زبان، بهترین توصیه مطالعه آثار ادبی شاعران آوانگارد و پست‌مدرن معاصر است.
به نقل از مجله شعر